

● نمونه ایرانی  
کارشناس ارشد معماری

# آموزش محله قلب

## اشاره

در این شماره ما به مناسبت پنجاهمین شماره نشریه به مفهوم «مدرسه فردا» پرداخته‌ایم. در مقاله حاضر نویسنده محترم از منظر یک معمار، به ویژگی‌های مدرسه فردا اشاره کرده است. که با یکی از اصول دهگانه‌ی سند تحول راهبردی آموزش و پرورش، یعنی تبدیل کردن نقش مدرسه به کانون‌های توسعه، محلی در آینده، همخوانی دارد. مقاله را در پی می‌آوریم.

## سراغاز

این عنوانی است که همواره فکر متخصصین و دست‌اندرکاران حوزه‌ی تعلیم و تربیت و البته طراحان مدارس را به خود مشغول کرده است. طراحی مدرسه‌ای برای فردا، یعنی طراحی مدرسه‌ای برای آینده‌ای که ممکن است ما برنامه‌ریزان آن را نبینیم و فقط آن را برای نسل بعدی مان آماده کنیم. تصور کنید، دوران تحصیل بچه‌هایی که سال آینده به مدرسه می‌روند، یعنی سال ۱۳۹۰، به طور متوسط ۱۸ تا ۲۰ سال طول می‌کشد و اگر مستقیماً وارد محیط کار شوند، ۳۰ سال پس از آن بازتخته می‌شوند. ما برای فرزندان داریم برنامه‌ریزی می‌کنیم که ۲۰ سال دیگر وارد محیط کار می‌شوند.

آیا با این سرعت فزاینده‌ی تغییرات که در دوران مدرن زمینه‌های علمی و روش‌های تدریس و یادگیری به وجود آمده است، ما می‌توانیم برای آینده‌ی مدرسه‌برنامه‌ریزی کنیم؟ یا مدرسه‌ای برای فردا طراحی کنیم؟ آموزش و پرورش، همیشه دچار نوعی عقب افتادن از برخی نهادهای رسانه‌ای و یا مکان‌های جذاب برای کودکان و نوجوانان است. آیا یادگرفتن از تلویزیون و اینترنت و جذابیت آن‌ها نسبت به فضای مدرسه، همیشه زیانزد دانش‌آموزان نیست؟ آیا مدرسه

دچار نوعی رخوت نشده است؟ آیا به واسطه‌ی این تنبلی و عقب افتادگی مدرسه و نهادهای آموزشی، مقبولیت آن‌ها از چشم دانش‌آموزان رخت نیسته است؟

میل رفتن به مدرسه و ماندن در آن جا، به فراخور بزرگ‌تر شدن دانش‌آموز کمتر می‌شود. چرا این گونه است؟ چرا مدارس در برآوردن نیازهای روحی و آموزشی دانش‌آموزان کمی عقب‌تر از سایر نهادها حرکت می‌کنند و چرا نیازهایی که برای دانش‌آموزان خود برنامه‌ریزی می‌کنیم، کمی از نیازهای نسل خودشان کهنه‌تر و فرسوده‌تر هستند؟ آیا برنامه‌ریزی برای نسل آینده و یا برنامه‌ریزی برای مدرسه‌ی فردا، ما را دچار این دور باطل نمی‌کند؟ برای جلوگیری از اشتباهات مکرر در ساخت مدارس و برنامه‌ریزی در حوزه‌ی آموزشی، ما به بررسی موارد مشابه در کشورهای پیشرفته و همچنین بررسی مدارس قدیم و روش‌های تدریس آن‌ها نیاز داریم تا با شناخت کافی حداقل بتوانیم از خطاهای بزرگ‌تر جلوگیری کنیم.

## پیوند با محل / جامعه

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، مدرسه‌ای می‌تواند برای فردا نقش مؤثری ایفا کند که برای تمام اعضای محله، فعالیت‌های متنوعی را تدارک و برنامه‌ریزی کرده باشد. آن چه که امروز در مدارس ما ابتدا وجود ندارد، پیوند مدرسه با محله و یا جامعه‌ای است که در آن قرار دارد. مدارس باید بخشی از فعالیت‌های خود را با ساکنان محله‌ی خود که شامل خود بچه‌ها، پدر و مادر آن‌ها و اعضای محله است، انجام دهند. شاید مواردی همچون بازدید از مکان‌های دیدنی، کتاب‌خانه‌ها و یا مراکز فرهنگی را نوعی پیوند با محله بدانیم و گمان کنیم که مدارس کنونی نیز این پیوند را دارند. اما واقعاً معنای پیوند این گونه نیست. برای



برای حل مشکلات محله از بچه‌ها کمک بخواهند و بچه‌ها در این مسیر به نوعی مسئولیت‌پذیر شوند. این گونه است که مدرسه مکانی دنج و در عین حال فعال برای ساکنان محله شود.

### مدرسه، قلب آموزش محله

وقتی می‌گوییم مدرسه قلب آموزش محله است، یعنی کتابخانه‌ی مدرسه مال همه برای هر سنی و در هر زمانی است. یا ساختار فعلی مدارس ما، این کار بسیار سخت و یا نشدنی است. متأسفانه در برنامه‌ریزی‌های شهرسازی و ساختار محله‌ای و

حتی معماری مکرر، به طرح‌هایی برمی‌خوریم که مدام در یک محله تکرار می‌شوند. بی‌آن‌که کارایی لازم را داشته باشند. ما برای یک بافت مسکونی، کتابخانه، مراکز فرهنگی، کانون‌های پرورش فکری، یا انجمن‌های علمی تأسیس می‌کنیم که فقط برای ساعاتی در روز فعالیت دارند حال آن‌که در همین مناطق، فرضاً ۲۰ یا ۳۰ مدرسه نیز وجود دارند که در اکثر ایام تابستان تعطیل

هستند و یا فعالیت بسیار مختصری برای بچه‌ها دارند و فقط ۹ ماه از سال را، آن هم به صورت نیمه وقت کار می‌کنند. از این گذشته، بودجه‌های مدرسه کفاف نمی‌دهد که کتابخانه‌های بسیار مجهزی داشته باشد و فقط به تأمین بخشی از کتاب‌ها که مربوط به طیف سنی خاصی است، بسنده می‌کند. این در حالی است که بخشی زیادی از کارهای فرهنگی آموزشی محله را می‌توان در مدارس انجام داد و بسیاری افراد، حتی افراد مسن، می‌توانند وارد مدرسه شوند و از کتابخانه و دیگر

قهم بهتر مثالی می‌آورم.

در شهرها در زمان‌های قدیم‌تر (و یا حتی در روستاهای کنونی مردم بخشی از اوقات فراغت خود را در نقاطی که مثلاً آفتاب خوبی داشته، مظهر قنات بوده، و یا به مراکز خرید و فروش نزدیک بوده است، سپری می‌کردند و فضاهای پاتوقی مناسبی را با بقیه‌ی افراد به وجود می‌آوردند. به عبارت دیگر، دیدارها و ملاقات‌های صمیمی و اجتماعی خود را در مکان‌های خاصی از محله برگزار می‌کردند. این مکان‌ها می‌توانست در طول سال جایگاه ثابتی داشته باشد و یا متناسب با فصول سال نیز جایش تغییر کند. مثلاً در جاهای سرد در مکان‌ها

و فضای بسته‌تر، و در فصول گرم سال نیز در مکان‌های خنک‌تر و با سایه. به این مکان‌ها قلب اجتماعی یک محله نیز می‌گویند. قلبی که متعلق به تمامی اعضای محله است، بی‌آن‌که محدودیت‌های زیاد آن باعث شود که رغبت افراد محله به آمدن به آن‌جا کم شود.

وقتی می‌گوییم مدرسه باید با محله و محیط اطراف خود ارتباط صمیمی و پیوند

دوباره برقرار کند، بدین معنی است که باید قادر باشد به ساکنان محله خدمتی بدهد. تصور کنید در بخشی از سال، والدین با اعضای محله به مدرسه بیایند و تمایش بچه‌ها را ببینند. والدین برای دیگر اعضای محله در مدرسه کلاس‌های آموزشی برگزار کنند. ساکنان محله بتوانند ساعاتی را در مدرسه باشند، گپی بزنند و از مشکلات، کارها و حتی از فعالیت‌های شغلی خود در آن‌جا برای یکدیگر بگویند و یا بخشی از فعالیت خود را به جوانان و ساکنان محله سپارند. یا در یکی از سالن‌های آن،

**مدرسه‌ای می‌تواند  
برای فردا نقش مؤثری  
ایفا کند که برای  
تمام اعضای محله،  
فعالیت‌های متنوعی را  
تدارک و برنامه‌ریزی  
کرده باشد**





امکانات آموزشی آن استفاده کنند. البته این کار برای مدرسه سود اقتصادی در بر خواهد داشت و مدرسه می‌تواند بخشی از هزینه‌های خود را نیز این‌گونه تأمین کند. از مکان مدرسه می‌توان برای ارائه‌ی آموزش‌های مورد نیاز محله استفاده کرد و نهادهایی چون شهرداری یا پلیس، می‌توانند از مدرسه و کتابخانه‌ی آن به عنوان قلب آموزشی محله بهره بگیرند. البته این مهم نیازمند بازنگری جدی در طراحی معماری مدرسه است و باید فضاهایی به مدرسه اضافه شود، یا بخشی از آن برای عموم و بخشی فقط برای دانش‌آموزان باز باشد.

### استفاده حداکثری از اینترنت فراگیر

امروزه فناوری IT تأثیر بسیار زیادی در تحول روی روش‌های زندگی، آموزش، کار و بازی گذاشته است. سهم مدارس ما از IT چیست؟ آیا سهم ما از این فناوری به چند رایانه و یک اتاق و یا یکی دو لپ‌تاپ در اتاق مدیران و معلمان محدود است؟ اغلب بچه‌های ما امروزه در منازل خود رایانه دارند و می‌توانند هر نوع اطلاعاتی را که مایل‌اند، به هر زبانی در دنیا تحقیق و مطالعه کنند به دست آورند و از انواع اخبار و تحلیل‌ها در دنیا با خبر شوند. آیا سهم این بچه‌ها در مدارس فقط محدود به رایانه‌هایی است که در اتاقی حبس شده‌اند و هفته‌ای دو یا سه ساعت اجازه‌ی کار کردن

با آن‌ها را دارند؟ رایانه‌هایی که نه به اینترنت متصل هستند و نه سیستم‌های به روزی دارند.

متأسفانه زمانی که این مشکل را با مدیران مدارس مطرح می‌کنیم، کمبود بودجه را مطرح می‌کنند. اما من مدارس زیادی را در تهران دیدم که با وجود داشتن اینترنت پرسرعت، بچه‌ها اجازه ندارند از آن استفاده کنند و این فقط با اجازه‌ی معلم میسر است. همچنین، اتاق‌هایی داریم که رایانه‌ها در آن‌ها محبوس است. (لازم به ذکر است که بسیاری از مدارس در شهرستان‌ها هنوز اینترنت ندارند و یا مشکلات نظیر شهرهای بزرگ را نیز دارا هستند). طراحی معماری مدرسه‌ی فردا زمانی موفق است که درهای اتاق‌ها را بشکنند، رایانه‌ها را در راهروهای بسیار زیبا و عریض بچینند و اجازه دهد که بچه‌ها از این نعمت استفاده ببرند. بتوانند به کتابخانه‌های روز دنیا متصل شوند و با دنیای بیرون آشنایی

پیدا کنند.

این نکته را نیز همیشه باید بگوییم که با مدیریت صحیح مدرسه و کادر آن، می‌توان از استفاده‌ی نامناسب از اینترنت و رایانه بکاهد و بچه‌ها را علاوه بر به روز نگه‌داشتن در دنیای اطلاعات، به ورزش و تمرینات بدنی نیز ترغیب نمود. از طرف دیگر، اگر مدرسه‌ی فردا در خدمت محله باشد، می‌توان در خیال خود پدر یا مادری را تجسم کرد که به مدرسه آمده‌اند و کودک کنجکاوشان، به آن‌ها طرز کار کردن با رایانه را یاد می‌دهد. یعنی بخشی از پیوند محله با مدرسه، از طریق دانش‌آموزان کوچک و به وسیله‌ی این فناوری میسر می‌شود. چرا که اگر اجازه‌ی استفاده از این امکانات را به ساکنان محله ندهیم، دیر یا زود رایانه‌های موجود قبل از این که فرسوده شوند، بسیار قدیمی می‌شوند و شما برای کار با آن‌ها، مجبورید نسخه‌های جدیدتر را تهیه کنید، بی‌آن‌که از نسخه‌های قبلی استفاده‌ی حداکثری برده باشید.

با تمام این‌ها، من به عنوان طراح مدرسه و معمار به این نتیجه می‌رسم که اگر مدرسه با ساختار و فرم معماری کنونی بخواهد به کار خود ادامه دهد، مطمئناً نمی‌تواند برای سال‌های بعد و برای مدرسه‌ی فردا و آینده‌ی کودکانمان، حرفی برای گفتن داشته باشد و نظام آموزشی ما هم چنان منفعل و از کار افتاده خواهد بود. اگر مدرسه‌ای بخواهد پذیرای مردم محله‌اش باشد به آن‌ها نیز آموزش دهد، از صبح تا پاسی از شب باز باشد و به عنوان قلب یک مجموعه بتهد، باید توان معماری بالایی داشته باشد. این نه به معنی مجلل بودن ساختمان مدرسه، بلکه به معنی پاسخ‌گویی آن به نیازهای آینده است. بدین معنی که مدرسه به همه‌ی سنین تعلق دارد، نه فقط به بچه‌ها. در این صورت، شما احساس «امنیتی» را به مدرسه اضافه می‌کنید که با هیچ قفل و کلید، دروازه‌ی بزرگ و سنگین، و دوربین مدار بسته‌ای پدید نمی‌آید. با این پیوند محله با مدرسه، به بچه‌ها اطمینان می‌دهید که مدرسه دیگر «فضای ترسناک» برای کودکانی که تازه به مدرسه می‌روند، نیست. مدرسه‌ای شکل می‌گیرد که ساکنان محله آن را جزئی از محله می‌دانند و نه بخشی از آن.

مدرسه به همه‌ی  
سنین تعلق دارد، نه  
فقط به بچه‌ها. در این  
صورت، شما احساس  
«امنیتی» را به مدرسه  
اضافه می‌کنید که  
با هیچ قفل و کلید،  
دروازه‌ی بزرگ و  
سنگین، و دوربین مدار  
بسته‌ای پدید نمی‌آید.